

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق زوجین متقاضی طلاق شهرستان ساری سالهای ۸۰-۱۳۷۹

دکتر علیرضا کلدی^۱ - دکتر سید جلال صدر السادات^۲ - غلامرضا تقی پور^۳

چکیده:

هدف: به منظور بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق زوجین متقاضی طلاق مراجع مرکز مشاوره طلاق شهر ساری در سالهای ۸۰-۱۳۷۹، به صورت تمام شماری تمام پرونده های موجود مرکز مورد بررسی قرار گرفت.

روش بررسی: بنابراین تعداد ۱۸۶ فقره پرونده موجود در مرکز که تعداد ۸۲ فقره مربوط به سال ۷۹ و تعداد ۱۰۴ فقره پرونده مربوط به سال ۸۰ بود، از طریق چک لیست محقق ساخته مورد بررسی و اطلاعات مورد نیاز از آن بدست آمد و پس از وارد کردن داده های بدست آمده به رایانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: همچنین در پی مقایسه بین فرهنگی و بین منطقه ای، نتیجه حاصل از این پژوهش با نتیجه پژوهش مشابه و همزمانی که در شهر تبریز انجام گرفته مقایسه شد. از بین عوامل اجتماعی متعدد، تعدادی از عوامل مهم که به نظر نقش اساسی داشتند را انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. تقاضای طلاق به عنوان متغیر وابسته و عوامل اعتیاد الکلیسم، اختلاف طبقاتی، اختلاف فرهنگی، دخالت های دیگران، آگاهی زن و خشونت خانگی به عنوان متغیرهای مستقل مدنظر قرار گرفتند.

نتایج حاصل از تحلیل استنباطی کای اسکور نشان داد که بین متغیرهای اعتیاد الکلیسم و خشونت خانگی با تقاضای طلاق رابطه معنی دار وجود دارد در حالیکه بین متغیرهای دیگر و تقاضای طلاق رابطه معنی داری مشاهده نگردید. همچنین مقایسه بین نتیجه این پژوهش در شهر ساری و نتیجه پژوهش مشابه در شهر تبریز نشان داد که بین رابطه اعتیاد الکلیسم، اختلاف فرهنگی و تقاضای طلاق در دو شهر مذکور تفاوت معنی داری وجود دارد و در خصوص سایر متغیرها تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

واژگان کلیدی: اعتیاد، الکلیسم، اختلاف طبقاتی، اختلاف فرهنگی، آگاهی زن، دخالت های دیگران

خشونت خانگی تقاضای طلاق

(۱) دانشیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

(۲) استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران (تهران سرنجک خیابان کودک پار مرکز پژوهش های رفتاری و رفاه اجتماعی (Email: Sadrosadat@Yahoo.com

(۳) کارشناس ارشد برنامه ریزی پیشگیری از آسیب های اجتماعی (نویسنده اصلی)

پایان یافته در تاریخ ۲۸-۲۰۰۸
 The Faculty of Social Sciences
 Request of the Department of Sociology Who Referred to
 Consultation of the Department of Sociology, Sari City in

مقدمه :

بر شمرده اند . واقعیت این است که در طی سالهای اخیر هر چند میزان طلاق در ایران با نوسان همراه بوده است ولی روند رو به رشد آن کاملاً هویداست که گاهی به میزان ۱۰/۵ درصد نیز رسیده است ، بویژه در شهر تهران که رقم ۱۶/۴ درصد را در سال ۷۹ نشان می دهد (۲) بر اساس آمار اخذ شده از دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال ، نسبت طلاق به ازدواج در استان مازندران در سال ۷۹ ، ۷/۱ درصد و در سال ۱۳۸۰ ، ۷/۵ درصد می باشد . در شهرستان ساری (منطقه مورد مطالعه) در سال ۷۹ ، در مقابل ۵۰۳۳ مورد ازدواج ، ۳۵۹ مورد طلاق و در سال ۸۰ در مقابل ۴۸۲۷ مورد ازدواج ، ۳۶۶ مورد طلاق گزارش شده است (کاهش ازدواج در مقابل افزایش طلاق (۳) این افزایش میزان طلاق هر چند کند است ، تداوم آن نگران کننده خواهد بود و با توجه به همین مسئله است که تحقیق حاضر شکل گرفته است .

در خصوص طلاق ، علل و پیامدهای آن تحقیقات بسیار زیادی در سطح جهان صورت گرفته است که نتایج مشابه و یا متفاوتی را بدست داده اند . تحقیقات بسیاری از پژوهشگران ایرانی و خارجی سواد ،

طلاق را از مهمترین پدیده های حیات انسانی تلقی می کنند . یک پدیده تاریخی است که با پیدایی ازدواج قرین است و در طول تاریخ دشمن اصلی واحد خانواده به شمار می رفته است ، امروزه در بسیاری از جوامع پدیده طلاق به دلایل عدیده ای رو به افزایش نهاده است . در جامعه ما نیز که از آسیبهای اجتماعی قرن حاضر جوامع صنعتی به دور نمانده است ، این مسئله به وضوح به چشم می خورد و مروری بر آمار طلاق در طی سالهای اخیر نشانگر روند رو به افزایش این معضل اجتماعی است و هر چه شهرها و روستاها مدرن تر شوند و ویژگی صنعتی بیشتری پیدا می کنند ، ضمن حل بسیاری از تضادهای جوامع پیشین ، تعارض های جدیدی را خلق کرده است . حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از دواجها در ایالات متحده آمریکا متجر به طلاق می شود . در فرانسه هر چهار مورد ازدواج یک مورد به طلاق ختم می شود (۱) در بعضی از اطلاعات و آمار که از طریق جراید و رسانه ها اعلام شد ایران را چهارمین کشور دنیا بعد از کشورهای آمریکا ، مصر و دانمارک

تعدادی از آنها برای سنجش متغیرهای زمینه ای و باقیمانده برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق طراحی و تدوین گردید و سپس نسبت به جمع آوری اطلاعات اقدام شد.

روشهای آماری مورد استفاده در این پژوهش آمار توصیفی و نیز آزمون کای اسکور بود. سپس توسط رایانه و با استفاده از نرم افزار SPSS، داده های حاصل از این پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین با استفاده از روش مدل خطی تعمیم یافته (GLM) به مقایسه نتایج این پژوهش با نتیجه پژوهش مشابه و همزمان در شهر تبریز پرداخته شد.

متغیرهای مستقل این پژوهش شامل: اعتیاد - الکلیسم، اختلاف طبقاتی، اختلاف فرهنگی آگاهی زن، دخالتهای دیگران و خشونت خانگی بود. و متغیر وابسته عبارت بود از: تقاضای طلاق.

همچنین اعتبار سوالات پرسشنامه تحقیق با ضریب آلفای ۰/۸۱ محاسبه شد که نشان دهنده اعتبار بالای ابزار تحقیق است.

نتایج:

نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که ۷۶/۳٪ از متقاضیان طلاق مرکز مشاوره طلاق ساری در سالهای ۷۹-۸۰، زن و ۲۳/۸٪ از آنها مرد بودند. ۲۶/۴٪ از تقاضای طلاق منجر به طلاق و ۲۶/۹٪ از آنها به سازش منجر شدند.

تجزیه و تحلیل فاکتورهای مورد مطالعه نشان می دهد که ۲۳/۴٪ از متقاضیان طلاق دارای مشکل اعتیاد همسر بودند و در عین حال ۲۷/۵٪ از این متقاضیان، تقاضایشان به طلاق خاتمه یافته است و بر اساس مقدار کای اسکور حاصله و با سطح معنی داری ۰/۰۰۵ بین اعتیاد و تقاضای طلاق رابطه معنی داری نشان داده شد. (جدول ۱)

همانطور که در جدول ۱ نشان داده می شود به میزان ۸۶/۶٪ متقاضیان

طبقه اجتماعی و اقتصادی، پرخاشگری و خشونت، اعتیاد و الکلیسم، دخالتهای دیگران، اختلاف فرهنگی را از جمله عوامل مؤثر بر بروز طلاق بر شمرده اند (۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۸).

طی سالیان گذشته پژوهش قابل ملاحظه ای در استان مازندران و نیز در منطقه مورد مطالعه صورت پذیرفته و انجام تحقیق حاضر تلاشی است که با پرداختن به قسمتی از عوامل مؤثر بر آن و با ارائه نتیجه حاصله از آن سعی دارد نقطه شروع تحقیقات وسیعتر و فراگیرتر در این زمینه باشد.

روش بررسی:

این پژوهش از نوع پیمایشی و توصیفی - تحلیلی مقطعی است. ابزار پژوهش پرسشنامه ساخت یافته است جامعه مورد بررسی این تحقیق شامل کلیه متقاضیان طلاق که در طی سالهای ۷۹-۸۰ به مرکز مشاوره طلاق شهر ساری مراجعه نمودند، بود. نمونه این پژوهش بصورت تمام شماری از کل جامعه آماری مورد مطالعه انتخاب گردید. بنابراین کل پرونده های متقاضیان طلاق مرکز در سال ۷۹ برابر با ۸۲ فقره و در سال ۸۰ به تعداد ۱۰۴ فقره است. پس تعداد کل نمونه این پژوهش ۱۸۶ مورد است.

جهت جمع آوری اطلاعات مورد نظر ابتدا با استفاده از پژوهش ها و تحقیقات مشابهی که در زمینه طلاق انجام گرفته است چک لیستی طراحی و تنظیم گردید. سپس این چک لیست توسط تعدادی از اساتید در گروه رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران مورد بازبینی واقع و با انجام اصلاحاتی تدوین گردید. پس از آن برای اطمینان از اینکه چک لیست تنظیمی قادر به ارائه اطلاعات کافی مبنی بر انجام تحقیق خواهد بود یا خیر؟ به صورت پایلوت تعداد ۳۰ پرونده از مرکز مشاوره طلاق ساری را به صورت تصادفی انتخاب و نسبت به استخراج داده ها اقدام و پس از حذف و اضافه نمودن سوالات، چک لیست با تعداد ۳۲ سؤال اساسی که

در معرض خشونت خانگی بودند و ۲۶۳/۴٪ از متقاضیان طلاق که وجود خشونت خانگی را مطرح کردند نهایتاً طلاق و جدایی از همسر را برگزیدند. بر اساس محاسبات آماری کای اسکور و با $p.v=0/100$ بین تقاضای طلاق و خشونت خانگی رابطه معنی داری بدست داده است. (جدول ۲)

با ملاحظه جدول ۳ مشاهده می شود که ۲۱۰/۸٪ از متقاضیان طلاق دارای اختلاف طبقاتی با همسر خود بودند و ۶۰٪ این متقاضیان تقاضایشان منجر به طلاق شده است.

در مقابل ۶۲/۷٪ از متقاضیان بدون اختلاف طبقاتی تن به طلاق داده اند. در همین حال با بررسی مقدار کای اسکور بدست آمده، با سطح معنی داری ۰/۸۰۸ بین تقاضای طلاق و اختلاف طبقاتی رابطه معنی داری را نشان نداد. (جدول ۳)

همانطور که از جدول ۴ بر می آید ۲۵۴/۸٪ از زوجین که در زندگی زناشویی خود دچار دخالت‌های اطرافیان بودند تن به طلاق دادند در حالیکه ۶۶/۱٪ از زوجین بدون این دخالت تقاضایشان منجر به طلاق شد. در این پژوهش از نتایج آزمون برمی آید که بین تقاضای طلاق و دخالت‌های دیگران رابطه معنی داری مشاهده نمی شود. (جدول ۴)

نتایج حاصل از آزمون کای اسکور در این پژوهش نشان می دهد که بین اختلاف فرهنگی با تقاضای (p.v=0/1) و نیز بین آگاهی زن با تقاضای طلاق (p.v=0/62) رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین در مقایسه نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق همزمان و مشابه در شهر تبریز با استفاده از روش آماری GLM مشاهده گردید که بین رابطه اعتیاد و اختلاف فرهنگی با تقاضای طلاق در دو شهر ساری و تبریز تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول (۱) - توزیع فراوانی متغیر اعتیاد - الکلیسم و تقاضای طلاق.

نتایج آزمون	نتیجه تقاضای طلاق			متغیر وابسته متغیر مستقل
	جمع کل	تحت اقدام	سازش	
$\chi^2 = 10/592$ $df = 2$ $p.v = /005$	۶۳ (%۳۳/۴)	۱۹ (%۱/۶)	۱۵ (%۲۳/۴)	وجود اعتیاد - الکلیسم
	۱۲۲ (%۶۵/۶)	۱۹ (%۱۵/۶)	۳۵ (%۲۸/۷)	عدم اعتیاد - الکلیسم
	۱۸۶ (%۱۰۰)	۲۰ (%۱۰/۸)	۵۰ (%۲۶/۹)	جمع کل

جدول (۲) - توزیع فراوانی متغیر خشونت خانگی و تقاضای طلاق .

نتایج آزمون	جمع کل	نتیجه تقاضای طلاق			متغیر وابسته متغیر مستقل
		تحت اقدام	سازش	طلاق	
$x^2 = 14/693$ $df = 2$ $p - v. = 0/001$	۱۶۱ (%۸۶/۶)	۱۲ (%۷/۵)	۳۷ (%۲۹/۲)	۱۰۲ (%۲۳/۳)	وجود خشونت خانگی
	۲۵ (%۱۳/۳)	۸ (%۳۲)	۳ (%۱۲)	۱۴ (%۵۶)	عدم خشونت خانگی
	۱۸۶ (%۱۰۰)	۲۰ (%۱۰/۸)	۵۰ (%۲۶/۹)	۱۱۶ (%۶۲/۳)	جمع کل

جدول (۳) - توزیع فراوانی اختلاف طبقاتی و تقاضای طلاق .

نتایج آزمون	جمع کل	نتیجه تقاضای طلاق			متغیر وابسته متغیر مستقل
		تحت اقدام	سازش	طلاق	
$x^2 = /0426$ $df = 2$ $p - v. = /0808$	۲۰ (%۱۰/۸)	۳ (%۱۵)	۵ (%۲۵)	۱۲ (%۶۰)	وجود اختلاف طبقاتی
	۱۶۶ (%۸۹/۲)	۱۷ (%۱۰/۲)	۲۵ (%۲۷/۱)	۱۰۲ (%۶۲/۷)	عدم اختلاف طبقاتی
	۱۸۶ (%۱۰۰)	۲۰ (%۱۰/۸)	۵۰ (%۲۶/۹)	۱۱۶ (%۶۲/۳)	جمع کل

جدول ۴ - توزیع فراوانی متغیر دخالت دیگران تقاضای طلاق .

نتایج آزمون	نتیجه تقاضای طلاق			متغیر وابسته	
	جمع کل	تحت اقدام	سازش		طلاق
$\chi^2 = 2/56$ $df = 2$	۶۲ (٪۳۳/۳)	۹ (٪۱۲/۵)	۱۹ (٪۳۰/۶)	۳۴ (٪۵۳/۸)	وجود دخالت دیگران
$p-v. = 0/278$	۱۲۴ (٪۶۶/۷)	۱۱ (٪۸/۹)	۳۱ (٪۲۵)	۸۲ (٪۶۶/۱)	عدم دخالت دیگران
	۱۸۶ (٪۱۰۰)	۲۰ (٪۱۰/۸)	۵۰ (٪۲۶/۹)	۱۱۶ (٪۶۲/۴)	جمع کل

مورد بررسی قرار داده و رابطه معنی داری با تقاضای طلاق یافته است.^{۳۰}

بحث و نتیجه گیری :

با بررسی انجام یافته، چنانچه گذشت، نشان می دهد که در این پژوهش از شش عامل اجتماعی مورد بررسی دو عامل اعتیاد الکلیسم و خشونت خانگی به عنوان عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق مورد تأیید و رابطه معنی داری را بین آنها نشان داده است و در مقابل بین تقاضای طلاق و عواملی چون اختلاف طبقاتی، اختلاف فرهنگی، آگاهی زن و دخالت‌های دیگران رابطه معنی داری را نشان نداده است.

در مقایسه با نتایج سایر تحقیقات، در خصوص ارتباط اعتیاد و خشونت خانگی با تقاضای طلاق با نتیجه تحقیقات قبلی خود همخوانی دارد و در واقع پژوهش‌های قبلی را مورد حمایت قرار می دهد.

استون استاک و النا بانکوفسکی در سال ۱۹۹۴ در روسیه رابطه معنی داری بین طلاق با اعتیاد و الکلیسم بدست آورده اند.^{۳۱} در تحقیقی توسط مهدی کی نیا در سال ۱۳۷۳ در مورد عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق، نقش مهم عواملی چون اعتیاد، تعارضات، پرخاشگری و خشونت خانگی را بر طلاق بیان داشت.^{۳۲} حسین مختاری و همکاران در بررسی علل طلاق در استان یزد در سال ۷۹، رابطه اعتیاد و طلاق را ثابت کرد.^{۳۳} در پژوهش دیگری توسط آزاد مهر آزاد دخت و همکارانش در سال ۷۴، پرخاشگری و خشونت را عامل مهم در بروز طلاق دانست.^{۳۴} باقر ساروخانی در سال ۷۶ در تهران رابطه بین طلاق و طبقه اجتماعی را مورد بررسی و تأیید نمود.^{۳۵} نجمه خاتون الطاقی در شیراز در سال ۸۰ در بررسی عوامل مؤثر بر طلاق بیان داشت که ۹۲ درصد به علت

هیدن در سال ۱۹۹۵ در سوئد نقش پرخاشگری کلامی و کتک زدن را

نسبت به ایفای نقش و وظیفه خود باز داشته و برای رسیدن به هدف مورد نظر خود، متوسل به طلاق شدند.

اعتیاد بالای خاتمانسوزی است که فقر شدید مالی و اقتصادی، فساد اخلاقی و رفتاری غیر قابل تحمل، عدم پابندی به اصول خانواده و روابط زناشویی، بی تفاوتی نسبت به مسایل و نیازهای خانواده و همسر، نزول شدید پایگاه و موقعیت اجتماعی خانواده در جامعه و خلاصه آنکه بسیاری از آسیب های اجتماعی را بدنبال خود دارد. زندگی زناشویی را طاقت فرسا و غیر قابل تحمل نموده و در موارد بسیار زیادی ناچاراً به طلاق و جدایی زوجین می انجامد. انواع خشونت هایی که مد نظر این پژوهش بود، نیز اگر بیش از اندازه در خانواده مرسوم و معمول باشد، حال این خشونت به هر دلیلی که باشد وقتی آثار سوء آن دامن همسر را بگیرد و کانون خانواده را بجای اینکه کانون امن و آسایش باشد، به کانون ترس و پر خاشگری و وحشت مبدل نماید و تحت هیچ شرایطی نتوان آنرا به آرامش مبدل سازد (کارکرد منفی) و مداخلات خیر خواهانه و دیگر بیا و مشاوره و راهنمایی مؤثر واقع نشود، مصداق شرایطی است که برای رهایی از فرد و رنج تن به طلاق داده می شود. بنابراین با توجه به استدلال فوق وجود رابطه معنی داری بین اعتیاد و خشونت خانگی با تقاضای طلاق مورد تأیید

ممکن است در خصوص عدم ارتباط معنی دار اختلاف طبقاتی، دخالت دیگران، آگاهی زن و اختلاف فرهنگی با تقاضای طلاق چنین استدلال می شود که:

۱) بنظر می رسد که در طی سال های اخیر خانواده هسته ای در استان مازندران بویژه در مناطق شهری گسترش روزافزونی داشته و از سویی دیگر همانطور که از آمار این پژوهش برمی آید اکثر زوجین مراجعه کننده به مرکز طی دو سال ۷۹-۸۰ از منطقه شهری بودند. بنابراین اطرافیان دخالت کمتری

اعتیاد و ۸۵ درصد به علت خشونت فیزیکی تن به طلاق داده اند^(۳۰). محمد حبسن فرجاد در تحقیقی پیرامون علل و عوارض روانی اجتماعی طلاق در ایران نتیجه گرفت که اعتیاد از جمله عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق می باشد^(۳۱). نارکو و همکارانش در سال ۱۹۹۶ در مطالعه ای یافتند که ۶۴٪ از معادین دارای ریسک فاکتورهای خانوادگی از جمله انحرافات، طلاق و فروپاشی کانون خانواده بودند^(۳۲). والراشتاین و همکارانش در سال ۱۹۹۹ در آمریکا در یک مطالعه پژوهشی نشان دادند که کشمکش ها و رفتارهای خشن و پر خاشگرانه با طلاق رابطه معنی داری با هم دارند^(۳۳).

در مقابل در مورد ارتباط بین اختلاف طبقاتی، دخالت های دیگران، آگاهی زن، اختلاف فرهنگی با تقاضای طلاق، نتیجه این تحقیق و تحقیقات قبلی را مورد حمایت قرار نمی دهد به بیانی دیگر نتیجه این تحقیق در زمینه متغیرهای اخیر مورد حمایت تحقیقات قبلی نیست (۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷). این پژوهش بر پایه نظریه جامعه شناختی کارکرد گرایان بویژه مرتن ویر استاس اطلاعات و نتایج بدست آمده از آزمون متغیرهای مورد نظر این تحلیل ارائه می دهد که زوجین متقاضی طلاق به عنوان عضوی از اعضای اجتماع دارای کارکرد بود و وظایف خود را به عنوان یک عنصر اجتماعی به نحو احسن به انجام رسانیده اند. بنابراین متغیرهایی از قبیل اختلاف طبقاتی، اختلاف فرهنگی، آگاهی زن، دخالت دیگران که در تحلیل مربوطه از رابطه معنی داری با تقاضای طلاق برخوردار نمی باشد تحت عنوان کارکرد مثبت و پتانسیل های خشونت خانگی و اعتیاد با تقاضای طلاق از رابطه معنی دار برخوردار بوده است که به عنوان کارکرد منفی مد نظر قرار می گیرد که می تواند نقش عامل بازدارنده در روابط پویایی زوجین و نیز بر هم زننده تعادل و تخریب نظام خانوادگی که در نهایت باعث برهم زدن نظم اجتماعی می گردد را ایفا نماید. به عبارت دیگر بنا به عقیده مرتن خشونت و اعتیاد شرایطی بودند که زوجین را

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

واقعیت‌های فرهنگی

در زندگی زوجین داشته و اگر هم دخالتی باشد، چندان مؤثر نیست. در مناطق روستایی نیز بدلیل قرابت و نزدیکی روستاها به شهر و ارتباط فرهنگی و اجتماعی قابل ملاحظه جامعه روستایی با جامعه شهری و تأثیرپذیری آن از فرهنگ شهری و ترغیب و تمایل روزافزون جوانان به زندگی جداگانه از والدین و اطرافیان، خانواده‌ها را از دخالت در زندگی یکدیگر بیش از پیش دور نگه میدارد.

۲) نتیجه این پژوهش نشان داد که تنها ۱۰۶۸٪ از زوجین دارای اختلاف طبقاتی بودند. بنظر می‌رسد که در منطقه مورد تحقیق خانواده‌هایی که با هم خویشاوندی می‌نمایند سعی دارند به لحاظ محل سکونت، موقعیت شغلی، تحصیلات و موقعیت خانوادگی هم کفو باشند و تفاوت زیادی با هم نداشته باشند و نشانگر آنست که خانواده بنحوی به نقش هم کفو بودن و هم طبقه بودن واقفند.

۳) اختلاف و تفاوت‌های فرهنگی در منطقه مورد مطالعه (ساری) چندان قابل ملاحظه نیست، همانطور که از نتایج آماری این تحقیق برمی‌آید و براساس تعریف عملیاتی اختلاف فرهنگی^۲ در این پژوهش بیش از ۹۹٪ مراجعین، شیعه مذهب و بیش از ۹۰٪ از آنان مازندرانی و دارای گرایش طبری بودند و بنابراین به میزان زیادی دارای مشترکات و ویژگیهای فرهنگی مشترک هستند.

۴) اکثر تحقیقات پیشین نشان دادند که سطح سواد و آگاهی زن رابطه معکوسی با طلاق دارد. با توجه به تعریف عملیاتی مقوله آگاهی زن که در این پژوهش بر مبنای سطح تحصیلات زوج تعریف شده است و با ملاحظه نتایج حاصل از این تحقیق مشاهده شد که آگاهی زوج لزوماً منجر به طلاق نمی‌شود بنابراین طلاق و اختلافات خانوادگی می‌تواند زمینه و علل دیگری داشته باشد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون GEM بنظر می‌رسد تفاوت معنی داری که در رابطه متغیرهای اعتیاد و اختلاف فرهنگی با تقاضای طلاق در دو شهر تبریز

و ساری مشاهده شده است، ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، جغرافیایی و یا شاید مربوط به تفاوت متقاضیانی باشد که به هر یک از مراکز مشاوره شهرهای ساری یا تبریز مراجعه نمودند. طی دو سال ۸۰-۷۹ بیش از ۲۳۴ مراجعین طلاق شهر ساری، مشکل اعتیاد همسر را مطرح نمودند در حالیکه در شهر تبریز ۱۹۵٪ این مشکل را داشتند. به علاوه اینکه در پژوهش حاضر، میزان ۲۷۵ متقاضیان طلاق دارای مشکل اعتیاد همسر، تن به طلاق داده اند در حالیکه در شهر تبریز ۱۵۶٪ متقاضیان طلاق دارای مشکل اعتیاد از همسر خود طلاق گرفته اند و بیانگر آنست که اعتیاد به عنوان یک عامل مؤثر نقش بارزتری در شهر ساری نسبت به شهر تبریز از خود نشان میدهد. همچنین با ملاحظه نتایج تحقیق مذکور میزان ۱۱۷۳٪ از مراجعین متقاضی طلاق مرکز مشاوره ساری دارای اختلاف فرهنگی با همسر خود بودند در همین حال ۲۷۶٪ از این متقاضیان تن به طلاق داده اند در مقابل در شهر تبریز ۱۵۸٪ از مراجعین متقاضی طلاق دارای تفاوت فرهنگی بودند و در عین حال ۸۳٪ همین افراد تقاضایشان منجر به طلاق شده است که بیانگر نقش مؤثر اختلاف فرهنگی در شهر تبریز است. بدین معنی که در شهر ساری زوجین انعطاف بیشتری نسبت به تفاوت‌های فرهنگی یکدیگر دارند و در مقابل در شهر تبریز تعصب سرسختانه‌ای نسبت به اعتقادات و زبان و فرهنگ خود قائلند. با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق و پژوهش‌های قبلی مشاهده می‌شود که اعتیاد به مواد مخدر و الکل و وجود خشونت خانگی می‌تواند از جمله عوامل فروپاشی کانون خانواده و تخریب زندگی زناشویی گردد. بنابراین می‌توان استنباط کرد که برای پیشگیری از بروز طلاق و یا کاهش میزان آن:

الف) باید به درمان و بازتوانی معتادین بخصوص معتادین متعلل جدید بیشتری بخرج داد و از طریق آموزش‌های لازم به خانواده مبتلا، زمینه‌های بروز مجدد آنرا پس از بازتوانی از قبیل عدم اشتغال، تنش و ناآرامی در خانواده، نگرش‌های منفی اطرافیان، دوستان تا بهاب مهار نمود.

انتشارات دانشگاه تهران-۱۳۷۶

۷) الطاقی، نجمه خاتون. بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زنان جوان شیراز. دانشگاه شیراز. ۱۳۸۰.

۸) فرجاد، محمدحسین. بررسی مسایل اجتماعی ایران. تهران. انتشارات اساطیر. ۱۳۷۷.

۹) پیران، پرویز. عوامل مؤثر بر طلاق و آثار آن در شهر تهران. دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۳۶۴.

۱۰) حقانی زنجانی، حسین. طلاق یا فاجعه انحلال خانواده. انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۲.

۱۱) سرمست، محمدعلی. بررسی علل طلاق در شهرستان میانه. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.

۱۲) شعبانی، حسین. بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق شهر تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. ۱۳۸۲.

۱۳) هیلگارد، ارنست و همکاران. زمینه روانشناسی. ترجمه براهنی، محمدتقی. انتشارات رشد. ۱۳۷۰. جلد ۱. صفحه ۷۰.

14) <http://urban.Org/testimon/steuerle.2-22-99.html>

15) Hyden, margareta (1995). Verbal aggression as prehistory of woman battering. *Journal of family violence*; 1995 mar vol 10 (1)55-71

16) Stack, steven; Bankowski, Elena. Divorce and drinking. *Journal of marriage and the family*; Minnea polis; Nov 1994. Rassia 4-805-00222445.

ب) با تقویت ارزشهای مذهبی، آموزش مهارتهای ارتباطی و حل مسأله و تقویت شیوه گفتگو در زوج های جوان می توان در کاهش بروز خشونت در خانواده ها مؤثر واقع شد.

منابع:

۱) سال نامه آماری دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی. سازمان ثبت احوال کشور. جدول آمار ازدواج و طلاق کشور صفحه ۷۲

۲) سال نامه آماری دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی. سازمان ثبت احوال کشور. جدول آمار ازدواج و طلاق کشور. صفحه ۷۶

۳) کی نیا، مهدی. عوامل جماعی طلاق-تهران-انتشارات مطبوعات دینی قم ۱۳۷۱.

۴) مختاری، حسین؛ علوی یزدی، محمدتقی. علل روانشناختی طلاق مرکز آموزش مدیریت دولتی. ۱۳۷۹. صفحه ۸۶

۵) آزاد مهر، آزاد دخت و همکاران. عوامل مؤثر در طلاق در شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مشهد. ۱۳۷۲

۶) سارو خانی، باقر. طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن تهران-

17) Nurco - DN ; Linlock-Tw ; oGrady-KE ; Hanlon-TE . (Early family adversity as a precursor to narcotic) . *Drug-Alcohol-Depend* . 1996 , Des 2 ; 43(1-2): 103-113

18) Wallerstein , J . (1999) . Separation , Divorce . In M , D , Levine ; W , B. Carey & A,C,Crocker (Eds) . *Development - Behavioral pediatrics* , Third Edition ,By W.B.Saunders Company . PP : 149 -161